خبر

پشت پرده رسوب کاغذ در گمرکات

● در حالی که مقادیر زیادی کاغذ چاپ و تحریر در گمرکات رسوب کرده، برخی اختلافات اداری مانع تعیین تکلیف این کالاها و ترخیص آنها از گمرکات شده است. به گزارش تسنیم، چند ماه قبل مکاتبه‌ای از سوی گمرک با معاونت حقوقی وزارت اقتصاد برای تعیین تکلیف برخی کالاهای رسوبی در گمرکات از جمله کاغذ انجام شده بود. بر این اساس درخصوص ابهامات ناهماهنگی‌ها و مغایرت‌های ایجادشده در رابطه با مرجع تشخیص کاربرد کالاهای وارداتی و صادراتی، تأکید شد که این موضوع منجر به رسوب حجم عظیمی کالا در گمرک شده است. با ورود معاون حقوقی وزارت اقتصاد درخواست برگزاری جلسه با نمایندگان گمرک و سازمان استاندارد انجام شد. گفتنی است طبقه‌بندی برخی کالاهای وارداتی بر اساس کاربرد انجام می‌شود و وقتی کالا به گمرک رسید، باید مطابقت آن را از مرجع متولی استعلام کنند؛ یعنی آن مرجع باید مطابقت کالای اظهاری و رسیده به گمرک را با کالایی که ثبت سفارش شده اعلام کند.حدود دو ماه قبل معاون فنی گمرک ایران با اشاره به تفاهم‌نامه جدید امضاشده با سازمان استاندارد، گفته بود، کالاهایی که به دلیل طبقه‌بندی براساس کاربرد در گمرک معطل هستند، به زودی ترخیص می‌شوند. وی با بیان اینکه برخی سازمان‌ها تطابق را اعلام نمی‌کردند، گفت: این مسئله باعث رسوب کاغذ چاپ و تحریر یا لوله حفاری و نفت گاز در گمرکات کشور شده بود.با وجود توافق انجام‌شده کالاهای مورد اشاره به دلیل عدم تأیید تطابق در گمرکات اجازه ترخیص به آنها داده نشده است.

ادامه از صفحه اول

تحولات عراق و لزوم بازبینی رویه‌ها

کشور نیازمند اتخاذ راهبردها و سیاست‌های تازه‌ای درباره عراق است و اتخاذ این راهبردها و سیاست‌های جدید بدون استفاده از توان کارشناسی کشور راه به بیراهه خواهد برد. آسیب‌شناسی رویه‌های پیشین ضرورتی فوری و اتخاذ سیاست‌های تازه نیازی آنی است. باید عملکردها و رویکردهای پیشین مورد مطالعه و بررسی چندجانبه و دقیقی قرار گیرد.

۲-دولت عراق درگیر مسائل بسیار پیچیده‌ای است. فساد گسترده در عراق، رقابت گسترده نیروها و جریان‌های سیاسی، طایفه‌ای و قومی و فرقه‌ای‌شدن سیاست، فقر و بی‌کاری گسترده، افزایش مطالبات رفاهی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان عراقی از جمله حادترین مسائل امروز عراق است. استمرار وضعیت و شرایط موجود در عراق می‌تواند پیامدهای خطیرتر و مخرب‌تری در پی داشته باشد. نمی‌توان فقط نظاره‌گر اتفاقات عراق باشیم. عراق متحد امروزی ما است، در این روزهای سختی که دولت و ملت عراق با آن دست‌به‌گریبان است، باید هوشمندانه‌تر و کارشناسی‌شده‌تر به مسائل پرداخت.

۳-ایران همواره با روش اشغالگرانه آمریکا و سایر کشورهای غربی در عراق، سوریه و... مخالف بوده است. گروهی در تلاش هستند تا سیاست‌های ایران در منطقه را چون سیاست‌های دولت امپریالیستی و اشغالگر روایت کنند. این گروه ابزارهای رسانه‌ای اثرگذاری در اختیار دارند. در برابر کمتر تلاشی در داخل کشور شده تا اجازه ندهد چنین تلقی‌ای از سیاست خارجی کشور عمومی شود. ضعف سیاست رسانه‌ای در سیاست خارجی را باید آسیب‌شناسی کرد. این مهم نقش بزرگی در تشدید موضع‌گیری علیه کشورمان در میان برخی جریان‌های عراقی دارد.

۴-تلقی‌های متفاوت از سیاست در میان گروه‌هایی از روحانیت شیعه عراقی را باید جدی گرفت. کنترل شرایط در درون کشوری دیگر، یعنی در عراق، تماما در کنترل هیچ نیروی خارجی یا داخلی نیست. این ماهیت شرایط جدید عراق است که موازنه این تلقی‌ها و نیروها را تعیین می‌کند. برای مدیریت این شرایط اتخاذ تصمیمات مهم و راهبردی تازه بسیار ضروری است. آیا برای این مهم و اصلاح رویه‌های موجود نیز تدارک و تمهیدات لازم اتخاذ شده است. پرهیز از روش مقابله‌ای و یافتن راهی برای تعامل و گفت‌وگو رویکرد اثربخش‌تری از روش‌های دیگر است.

شرایط حساس امروز عراق را می‌توان با سال ۲۰۱۳ مقایسه کرد و کم‌توجهی و عدم آسیب‌شناسی رویه‌ها ممکن است به جریان‌ها و حوادث پیش‌بینی‌نشده مشابهی منجر شود.

بازگشت همه به سوی اوست

سرکار خانم مژگان دزفولی

با کمال تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامی

حاجیه خانم محبوبه سلامت

را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می نمائیم.

فریده و احمد تبریزی (تورنتو)

فقط ۴۵۰ شرکت از زیرمجموعه نهادها در سامانه ثبت‌نام کرده‌اند

خریدهای مبهم خصولتی‌ها

شرق: خصولتی‌ها سهام یکدیگر را می‌خرند تا روزبه‌روز پیچیده‌تر شوند. خصولتی‌ها که در تاریک‌خانه اقتصاد از رانت‌های گوناگون مانند انرژی ارزان استفاده می‌کنند، همچنان نسبت به شفافیت مقاومت نشان می‌دهند. از تیرماه امسال قانونی برای ایجاد شفافیت در دل خصولتی‌ها ابلاغ شده تا نهادها شرکت‌های تابعه خود را ثبت و صورت‌های مالی‌شان را ارائه کنند، اما بیشتر نهادها آن را پشت گوش انداختند یا سعی کردند خود را از آن مستثنا کنند و به گفته نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، تا امروز فقط حدود ۴۵۰ شرکت تابعه ثبت شده است. در میان این تعداد محدود از شرکت‌هایی که ثبت شده‌اند فقط پنج شرکت تابعه خیریه وجود دارد، درحالی‌که انتظار می‌رود تعداد شرکت‌های زیرمجموعه خیریه بیش از اینها باشد. همچنین به‌جز شهرداری تهران، سایر شهرداری‌ها همچنان از اجرای قانون سر باز می‌زنند. برخی نهادها هم مثل بنیاد مستضعفان خود را از این قاعده مستثنا کرده‌اند.

درحالی‌که کل درآمد حاصل از افزایش قیمت بنزین ۳۳ هزار میلیارد تومان است، سود خالص فقط ۲۰ شرکت خصولتی ۷۶ هزار میلیارد تومان محاسبه می‌شود. بی‌شک این آمار حکایت از نقش پررنگ آنها در اقتصاد دارد.

سود ۷۶ هزارمیلیاردی ۲۰ شرکت خصولتی

بخش‌های مهمی از اقتصاد در دست کسانی است که نه خصوصی و نه دولتی هستند. یافتن مالک و سهام‌داران عمده واقعی این شرکت‌های بزرگ کشور کار آسانی نیست؛ اگرچه می‌توان با جست‌وجو در بورس سهام‌داران اسمی این شرکت‌ها را شناسایی کرد؛ اما اغلب این شرکت‌ها تنها بازوی اجرائی نهادهای بزرگ دیگری هستند که سرمایه‌های خود را در دل شرکت‌های مختلف گسترده‌اند. هیچ آمار قطعی‌ای درباره خصولتی‌ها وجود ندارد؛ نه درباره تعداد این شرکت‌ها و نه درباره حجم گردش مالی و سهم آنها در اقتصاد کشور. درواقع هیچ جایی نیست که دست بگذاریم و رد و نشانی از خصولتی‌ها نباشد. سال ۹۵ دیوان محاسبات و مرکز پژوهش‌های مجلس آماری دادند مبنی‌بر اینکه تا آن سال تنها حدود ۱۶ درصد کل خصوصی‌سازی که انجام شده، واقعی بوده است. با اینکه سرجمع رقم‌های مربوط به این بخش‌ها چندصدهزار میلیارد تومان در سال برآورد می‌شود، برای تعیین‌تکلیف و شفاف‌کردن آن هیچ اقدام نتیجه‌بخشی انجام نشده، درحالی‌که برای بحث حقوق‌های نجومی که البته بحث بسیار مهمی بود، سروصدای بسیاری ایجاد شد، حال آنکه درباره خصولتی‌ها ما موارد متعددی داریم که مالیات یک شرکت فرعی که جزء شرکت‌های اصلی هم نیست، از مجموع رقم حقوق‌های نجومی که حدود ۲۴ میلیارد تومان اعلام شده هم بیشتر است.

چندروز پیش حسین راغفر، کارشناس اقتصادی، اعلام کرد که سود خالص فقط ۲۰ شرکت خصولتی در سال گذشته ۷۶ هزار میلیارد تومان بوده است. این در حالی است که کل پولی که قرار است از محل افزایش قیمت بنزین حاصل شود، ۳۳ هزار میلیارد تومان است. سال گذشته ۳۸ اقتصاددان در نامه‌ای به رئیس‌جمهور به بیان مشکلات اقتصادی کشور و ارائه راهکار برای آن پرداختند و در بندهای متعدد این نامه به خصولتی‌ها و خطرشان برای اقتصاد اشاره کردند. به دنبال آن رهبری هم اعلام کردند که راهکارهایی که در این نامه به آن اشاره شده درست است. یکی از بندهای مهم این نامه به ماجرای پرابهام فعالیت خصولتی‌ها و رانتی که آنها در بخش‌های مختلف استفاده می‌کنند پرداخته بود. حالا یک سال از این نامه می‌گذرد بی‌آنکه هیچ اقدام جدی‌ای برای روشن‌کردن این تاریک‌خانه اقتصادی انجام شده باشد.

عکس: سهند تاکی، شرق

خصولتی‌ها بلای جان صنایع پایین‌دستی

احسان سلطانی، پژوهشگر اقتصادی، با اشاره به حضور پررنگ خصولتی‌ها و رانت‌خواری‌هایشان فعالیت آنان و حمایت از آنها را مهم‌ترین مانع رونق تولید می‌داند و می‌گوید: در ۳۰ سال اخیر ما صنایع مبتنی‌بر رانت منابع را توسعه داده‌ایم؛ صنایعی که از رانت معدن‌ها، نفت، گاز، انرژی الکتریکی و آب استفاده می‌کنند؛ یعنی منابع خامی که متعلق به همه هستند. سهم صنایع آنها که فولاد و پتروشیمی و نفت و امثالهم بوده، ۳۰ سال پیش یک‌سوم و حالا دوسوم شده است. اینها در تمام دولت‌ها؛ چه دولت هاشمی، چه خاتمی و چه حتی احمدی‌نژاد به‌سرعت رشد کردند. جالب اینجاست که در دولت احمدی‌نژاد و روحانی این بخش به‌شدت رشد کرد.

نمونه آن این است که رئیس‌جمهور و معاون‌اول او اکثرا در افتتاح‌هایی حضور پیدا می‌کنند که متعلق به معادن آهن و فولاد است، از جمله همین بازدید اخیر رئیس‌جمهور از یزد. اینها صنایع تولید آهن خام هستند؛ یعنی ما در این افتتاحات محصولات نهایی نداریم، هرچه هست، معدن است و آهن خام و ... . اینها همه در دست گروهی خاص است. مردم نه توان مالی این کار را دارند و نه اگر داشته باشند به آنها برای این کار میدان داده می‌شود. تمام اینها دست بنگاه‌های خصولتی است؛ بنگاه‌هایی که اسمشان خصوصی است و در عمل توسط نهادها، ارگان‌ها، بنیادها و خود دولت اداره می‌شوند.

در شرایط فعلی کشور با دو بخش از صنایع خصولتی و صنایع پایین‌دستی و کوچک روبه‌روست که در صنایع خصولتی که عمدتا صنایع بزرگ را شامل می‌شوند مشکلی وجود نداشته و آنها با حمایت دولت هرساله سود و منافع خود را تأمین می‌کنند، اما مشکل اساسی ما صنایع پایین‌دستی، کوچک و متوسط است که عمده بازار مصرف آنها توسط مردم تأمین می‌شود.

او ادامه می‌دهد: این همان مسئله‌ای است که ما می‌توانیم اسمش را بگذاریم ائتلاف غالب و شامل تمام این مجموعه‌ها و جناح‌های سیاسی می‌شود. اینها با خرید ارزان منابع ملی مثل نفت و گاز و معدن سودهای کلان کسب کردند و سود آن را بین خودشان تقسیم کردند و هیچ بخشی از آن را هم به خزانه دولت نرساندند. از آن طرف هم موادی مثل پتروشیمی و فولاد وقتی صادر می‌شوند، معافیت مالیاتی دارند و ارزش افزوده نمی‌دهند.

سلطانی خاطرنشان می‌کند: سال گذشته نزدیک ۵۰ درصد منابع‌مان نفتی بود و ۳۰ تا ۴۰ درصد آن هم نفت، گاز و پتروشیمی سنگ معدن بود که در دست خصولتی‌ها قرار داشت و فقط ۱۰ تا ۲۰ درصد صادرات‌ها بخش خصوصی واقعی بود.

قانونی بدون ضمانت اجرائی

۲۹ تیر سال جاری مسئولان به شکلی کج‌دارومریز سعی برای ایجاد شفافیت در شرکت‌های خصولتی را آغاز کردند و قانونی که خرداد در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شده بود، از سوی رئیس‌جمهوری ابلاغ شد. این قانون بخش تاریک اقتصاد ایران را در شش دسته قرار می‌دهد؛ مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و قرارگاه‌های سازندگی، نهادهای نظامی و انتظامی و بنیادهای تعاون وابسته به آنها، سازمان‌ها و مؤسسات خیریه، نهادها و مؤسسات وقفی و آستان‌های مقدس و بقاع متبرکه، صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری و در نهایت بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی، مؤسسات و دیگر اشخاص حقوقی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند. حالا مطابق این قانون مکلف‌اند به صورت سالانه و حداکثر تا شش ماه بعد از اتمام سال مالی‌شان اطلاعات کامل مالی و صورت‌های مالی حسابرسی‌شده خود شامل ترازنامه، صورت سود و زیان، صورت جریان وجوه نقد و صورت‌های مالی تلفیقی حسابرسی‌شده و همچنین تغییرات اعضای هیئت‌مدیره را به سازمان بورس اعلام کنند. این شرکت‌ها همچنین مکلف‌اند به صورت سالانه فهرست کامل همه شرکت‌ها اعم از تعاونی، سهامی خاص، سهامی عام و مسئولیت محدود و بنگاه‌های اقتصادی و مؤسسات متعلق به خود اعم از تابعه و وابسته یا با هر میزان از تملک سهام که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا مدیریت (کنترلی و غیرکنترلی) آنها قرار دارند، به سازمان بورس ارائه دهند؛ اما بعد از نزدیک به پنج ماه اجرای این قانون در چه مرحله‌ای است؟

سیدفرید موسوی، نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی و طراح اولیه این طرح می‌گوید: مجلس طبق اصل ۴۴ الزامی را ایجاد کرده بود تا شرکت‌های تابعه خصولتی‌ها صورت‌های مالی خودشان را در سامانه‌ای که سازمان بورس مشخص می‌کند، اعلام عمومی کنند تا وضعی که معلوم نبود این شرکت‌ها چه هستند و چه می‌کنند، کمی بهبود یابد و با نظارت عمومی به‌نوعی جلوی اتفاقات بدی که در این شرکت‌ها رخ می‌دهد، گرفته شود. در پیگیری‌هایی که در مجلس دهم انجام دادیم، دیدیم عملا این قانون اجرا نمی‌شود. شرکت‌های تابعه خصولتی‌ها هیچ تعهدی برای اجرای آن ندارند که بخواهند صورت‌های مالی‌شان را در این سامانه شفاف کنند. هرچند برخی شرکت‌های تابعه صندوق‌های بازنشستگی، شهرداری‌ها و شرکت‌های تابعه خیریه‌ها و... از این استثنا استفاده نکردند؛ اما قانون را هم اجرا نمی‌کنند. قانون ضمانت اجرائی کافی نداشت و هیچ نهادی مسئول اجرا تعریف نشده بود؛ پس با همکاری دوستان طرحی را برای شناسایی این شرکت‌ها ایجاد کردیم تا مسئولیت برعهده برخی نهادها مثل سازمان ثبت اسناد یا بورس باشد. همچنین ضمانت اجرائی قرار دادیم تا اگر از اجرای قانون سر باز بزنند، جریمه شوند.

غایبان فهرست ثبت

این نماینده ادامه می‌دهد: حسب پیگیری‌های من دستگاه‌ها اجرای این قانون و ثبت شرکت‌های تابعه خودشان را آغاز کرده‌اند و حدود ۴۵۰ شرکت تا الان ثبت شده‌اند؛ اما از میان چهارصدو خرده‌ای تا ۶۰۰ شرکت ثبت‌شده فقط پنج شرکت از شرکت‌های وابسته به خیریه‌ها ثبت شده است؛ درحالی‌که تعداد آنها بیش از اینهاست. درباره شهرداری‌ها هم غیر از شهرداری تهران از شهرداری‌های دیگر تقریبا شرکتی ثبت نشده است.

او می‌افزاید: من فکر می‌کنم تا یکی، دو سال آینده با این قانون کمتر مجموعه‌ای را خواهیم داشت که در برابر اجرای قانون مقاومت کند و رویه سابق را ادامه دهد. خصولتی‌ها سهام یکدیگر را می‌خرند تا روزبه‌روز پیچیده‌تر شوند.

یک پژوهشگر آب در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

بازتخصیص خاموش با توجیه تأمین «نیازهای شرب»

لیلا مرگن: طبق قانون تصمیم‌گیری در زمینه تخصیص منابع آب انحصارا به وزارت نیرو واگذار شده است. این وزارتخانه که وظیفه تأمین و حفاظت از آب را توأمان برعهده دارد، اقدام به سیاست‌گذاری‌هایی در این حوزه کرده است که وضعیت امروز منابع آب کشور را رقم زده است. آن‌طور که سیدجلال‌الدین میرنظامی براساس مطالعاتی که در بازتخصیص منابع آب در چهار منطقه انجام داده است، می‌گوید: وزارت نیرو با اولویت قراردادن نیازهای شرب، اقدام به بازتخصیص خاموش منابع آب کرده است؛ یعنی این وزارتخانه با این توجیه که نیازهای شرب باید تأمین شود، همواره از حق جامعه اصلی که حقوق عرفی در تخصیص اولیه آب داشته‌اند، کاسته و نیازهای جدید برای منابع آب ثابت و محدود کشور تعریف کرده است. این سیاست‌گذاری‌ها منجر به بروز خسارت برای جامعه محلی شده است که هیچ‌گاه از سوی تصمیم‌سازان به آن توجه نشده است. از سوی دیگر شیرینی توسعه، اقتصاد سیاسی حاکم بر بخش آب و ساختار وزارت نیرو که متناسب با تأمین آب طراحی شده، سبب شده است که تمام اقدامات این وزارتخانه صرفا معطوف به تأمین آب شود. «بازتخصیص آب کشاورزی و تعارض‌های ناشی از آن» عنوان پژوهش جدیدی است که به همت اندیشکده تدبیر آب ایران انجام شده است و این پژوهش در نشست کنشگران ارتباطی آب معرفی شد. با توجه به تبعات این شیوه سیاست‌گذاری در کشور گفت‌وگویی با سیدجلال‌الدین میرنظامی، دانش‌آموخته دکترای مدیریت منابع آب و پژوهشگر پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف، انجام داده‌ایم که در ادامه می‌آید.

فرق تخصیص و بازتخصیص آب چیست؟

در بحث تخصیص یک‌سری قراردادها و حقوق را بین افراد وضع می‌کنیم؛ اما فرق تخصیص و بازتخصیص از اینجا شروع می‌شود که در جریان بازتخصیص مجبوریم در یک‌سری قراردادها و حقوقی که قبلا بین افراد تقسیم شده، دست ببریم.

در بازتخصیص به حقوق عرفی یا حقوق قبلی جامعه محلی یا صاحبان حق توجه می‌شود؟

وقتی در جریان بازتخصیص در قراردادها و حقوق دست می‌بریم، به‌این‌ترتیب الگوی معیشت جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهیم. درست است که در قانون افراد مالکیت آب را ندارند؛ اما به‌راحتی نمی‌توان گفت که صاحبان قبلی آب، به دلیل نداشتن مالکیت، هیچ حقی ندارند. وقتی بُعد اجتماعی و سیاسی به مسئله تقسیم آب اضافه می‌شود، رنگ‌وبوی موضوع بازتخصیص عوض می‌شود. این‌طور نیست که بگوییم طبق قانون آب متعلق به دولت است و هر تصمیمی که دولت بگیرد، باید پذیرفته شود. باید دید تصمیمات چه اثراتی ایجاد می‌کنند. به‌عنوان مثال در دشت قریةالعرب واقع در جنوب کرمان که از نظر هیدرولوژیکی بالادست یک حوضه آبی محسوب می‌شود، شاهد هستیم که وزارت نیرو برای تأمین نیازهای شرب منطقه کرمان این ناحیه را دشت ممنوعه اعلام می‌کند تا به‌نوعی آب آن را به صورت ذخیره برای نیازهای شرب کرمان نگه دارد؛ اما به موازات این تصمیم، دشت قریةالعرب هم رشد پیدا می‌کند و در همان روزهایی که آبخوان این دشت در حال افت بود؛ یعنی در دهه ۷۰، وزارت نیرو هم شروع به بهره‌برداری از آب این دشت برای شهر کرمان می‌کند. نتیجه اینکه با برداشت‌های جدید برای تأمین نیازهای شرب کرمان و انتقال آن به این منطقه، فشار جدیدی به آبخوان وارد می‌شود و این مسئله با خشک‌شدن چاه‌های این دشت همراه می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که وزارت نیرو از مکانیسم‌های مختلفی برای توجیه کار خود استفاده می‌کند. در گزارش‌هایی که برای تبدیل ممنوعیت دشت نوشته‌اند، اصلا به افت دشت و به بارگذاری جدید در آن اشاره نشده است. وزارت نیرو همواره آب شرب را تافته جدابافته‌ای تصور می‌کند که تأمین آن ربطی به دیگر مسائل حوضه آبریز ندارد. این‌گونه به نظر می‌رسد که در برنامه‌های وزارت نیرو تأمین آب شرب بدون توجه به اثر آن بر روی دشت‌ها انجام شده است.

چرا به نظر می‌رسد که وزارت نیرو تأمین آب شرب را تافته جدابافته می‌داند؟

در مطالعه دشت قریةالعرب، تأمین آب شرب بدون توجه به جامعه‌ای که از دشت بهره‌برداری می‌کند، انجام شده است؛ زیرا با آغاز بهره‌برداری، قنات‌ها شروع به خشک‌شدن می‌کنند، بعد وزارت نیرو به روستاییان وعده می‌دهد که به آنها چاه عمیق بدهد. در چنین شرایطی فرد باید خود را با الگوی جدید که حفر چاه عمیق است، همخوان کند. این سیاست منجر به رایج‌شدن حفر چاه عمیق در منطقه می‌شود و کلا شرایط منطقه را تغییر می‌دهد. این الگو را بارها در مناطق مختلف تجربه کرده‌ایم و من نام آن را «بازتخصیص خاموش» گذاشته‌ام.

در الگوی بازتخصیص خاموش دولت از اختیارات خود که در قانون تعریف شده است، به نوعی سوءاستفاده می‌کند. در حالی که طبق قانون دولت وظیفه بازتخصیص آب را بر عهده دارد به همین دلیل می‌تواند تخصیص‌های آب را تغییر دهد، وظیفه حمایت از منابع آب و جبران خسارت حاصل از بهره‌برداری جدید هم بر عهده دولت و به نمایندگی از دولت به وزارت نیرو محول شده است اما این وزارتخانه به نوعی از بی‌اطلاعی جامعه استفاده می‌کند و خیلی از طرح‌ها و پروژه‌های خود را بدون توجه به اصل حفاظت از منابع آب، صرفا توجیه می‌کند. مثلا در حوزه زاینده‌رود که همکار من آقای طالبی مطالعات آن را انجام داده است، وضعیت آب از همان دهه ۵۰ و زمان احداث سد زاینده‌رود و حتی قبل‌تر از آن مناسب نیست اما دولت با بازتخصیص خاموش منابع آب، مصرف این ماده حیاتی را در حوضه زاینده‌رود افزایش داده است زیرا وقتی شبکه جدید احداث و تخصیص جدید داده می‌شود، هم از حق قبلی‌ها کم می‌کند و هم برای مصرف‌کنندگان جدید حق تعریف می‌کند.

در جریان بازتخصیص برای تأمین نیازهای شرب، آیا به شرایط حوضه آبریز توجه شده است؟

وزارت نیرو بدون توجه به شرایط حوضه و رعایت حقوق بهره‌بردارانی که قبلا به صورت تاریخی حقی داشته‌اند و از منابع آن بهره‌برداری می‌کردند، تخصیص‌های جدید را انجام داده است. این مورد خود را در زاینده‌رود به‌طور کامل نشان می‌دهد. مثلا ورزنه که چندین نسل پشت سر هم آنجا کشاورزی می‌کردند، بعد از مدتی به اسم اینکه خشک‌سالی شده است، به‌تدریج آب آنها کاهش یافته و اصلا انگار که یک عامل بیرونی سبب کاهش آب شده است و این مسئله ناشی از تغییر سیاست‌گذاری‌ها نبوده در حالی که وضعیت امروز ورزنه حاصل سیاست‌گذاری نامناسب در حوضه آبریز زاینده‌رود است.

معتقدید وضعیت کاهش حقابه در بخش کشاورزی ورزنه ناشی از خشک‌سالی نبوده و بازتخصیص خاموش شرایط نامناسب امروز را ایجاد کرده است؟

بله همین‌طور است. تأمین آب شرب و صنعت و کشاورزی بالادست. در استان اصفهان که در حال توسعه بوده است، شرق اصفهان که در پایین دست واقع شده است را تحت تأثیر قرار داده و به کاهش حق آنها منجر شده است. این را حتی از زبان برخی مسئولان هم شنیده‌ام که به‌طور غیرمستقیم گفته‌اند مشکلات ورزنه ناشی از خشک‌سالی نبوده است. مسئولان درباره شرایط ورزنه می‌گویند که «تصور می‌کردیم خشک‌سالی رخ داده است» البته این توجیه مناسبی نیست زیرا وزارت نیرو به‌عنوان یک نهاد تخصصی آب در قانون باید با دقت بیشتری تصمیم بگیرد. اساسا طبق قانون در مسئله تخصیص آب به وزارت نیرو انحصار کامل داده شده است تا این وزارتخانه بعدا از چنین توجیه‌هایی استفاده نکند. وزارت نیرو به عنوان یک مجموعه تخصصی باید بداند عوامل اقلیمی در یک منطقه چه تأثیری بر منابع آب دارد. اصلا این عوامل روی منابع آب به‌عنوان مسئله اصلی تأثیر داشته است یا نه. چنین اظهاراتی را نمی‌توان به حساب یک خطای ساده گذاشت.

فکر می‌کنید چه عاملی باعث می‌شود وزارت نیرو بدون توجه به حقوق عرفی شروع به بازتخصیص‌هایی کند که به آسیب به جامعه محلی منجر می‌شود؟

طبیعتا فشاری که برای توسعه در مناطق وجود دارد، یک عامل اصلی است. شیرینی توسعه و اقتصاد سیاسی توسعه قطعا عواملی هستند که فشار برای این مسئله را افزایش می‌دهد. وزارت نیرو به عنوان تأمین‌کننده اصلی آب، قرار است همیشه درباره این نیاز پاسخ‌گو باشد. البته این مسئله برای وزارت نیرو خیلی هم بد نیست و شیرین هم است زیرا به واسطه آن یک‌سری منابع مالی و پروژه به این وزارتخانه می‌آید. در این موضوع نکته مهم این است که ماده ۲۱ قانون توزیع عادلانه آب می‌گوید تخصیص آب انحصارا در اختیار وزارت نیروست. به دلیل این انحصار برخی اقدامات صورت می‌گیرد. ضمن آنکه باید به خاطر داشت الگوی توسعه ساختار وزارت نیرو هم در راستای تأمین آب شکل گرفته است. در کنار آن انحصار قانونی وقتی الگوی توسعه نهاد تصمیم‌گیر برای آب (وزارت نیرو) و شکل‌گرفتن این نهاد را کنار هم قرار دهیم، متوجه می‌شوید وزارت نیرو از این انحصار صرفا در راستای تأمین آب استفاده کرده است. در صورتی که این انحصار به نظر من با این ذهنیت ایجاد شده بود که علاوه بر تأمین آب، وظیفه حفاظت را هم بر عهده دارد.

گزارش روز

جامعه کار و تولید در کشاکش مصوبات غیراجرائی

● **جلیل کاربخش راوری***: نزدیک به سه سال و اندی از ارائه پیش‌نویس لایحه «قانون دائمی ارزش افزوده» از سوی دولت می‌گذرد. اگر چه در این مدت بارها و بارها مواد این لایحه به وسیله فعالان اقتصادی و صاحبان کسب و کار به‌ویژه اتاق بازرگانی ایران به‌عنوان پارلمان اقتصادی بخش خصوصی مورد نقد، اصلاح و بازبینی قرار گرفته اما ظاهرا باز هم قرار است در بر همان پاشنه قبلی بچرخد و صاحبان کسب و کار یکباره با تصویب قانونی مواجه شوند که خواستار اصلاح آن بوده‌اند؟

به‌تازگی دو مجلد درباره شور دوم «لایحه مالیات ارزش افزوده» و پیشنهادها در مورد لایحه مالیات ارزش افزوده (شور دوم) در اجرای ماده (۱۴۴) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی منتشر شده که به نگرانی‌های فعالان اقتصادی دامن زده است. فعالان اقتصادی و صاحبان کسب و کار بیش از ۴۰ سال است کوشش کرده‌اند بیراه‌رفتن را به دولت گوشزد کنند که متأسفانه حاصلی هم نداشته است. درباره اصلاحیه اخیر قانون مالیات بر ارزش افزوده بیش از دو هزار ساعت کار کارشناسی در اتاق‌های ایران با همکاری مدیران ارشد سازمان امور مالیاتی، کارشناسان منتخب اتاق بازرگانی و مرکز پژوهش‌های مجلس، اتاق اصناف، اتاق تعاون و سایر نهادهای کارفرمایی صورت گرفته که اگر قرار باشد به ماحصل این مجموعه کار کارشناسی توجه نشود و بحث‌های پنهان و خارج از ذی‌نفعان در کمیسیون‌های مجلس مد نظر قرار گیرد، حداقل از منظر حکمرانی مالیاتی، جای انتقاد و تأمل دارد زیرا مالیات امر عمومی است و نمی‌توان معضلات و مشکلات آن را خصوصی حل کرد؟! اولین دلیل اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده در واقع جایگزین‌شدن آن با قانون تجمیع عوارض و ازبین‌بردن مجاری متعدد دولتی و غیردولتی برای دوشیدن بخش خصوصی و جامعه کار و تولید بوده در حالی که پیشنهاد اخیر شهرداری‌ها به بهانه اخذ عوارض خاص و دسترسی به «درآمدهای پایدار شهرداری‌ها» یا تحمیل مالیات بر ارزش افزوده ناشی از فروش ارز حاصل از صادرات، با توجه به دلایل توجیهی برقراری مالیات بر ارزش افزوده و حذف سایر عوارض، غیرعقلایی، بر خلاف حقوق شهروندی و مانع توسعه کسب و کارها خواهد شد.

تجربیات جهانی و حاکیت مالیاتی نشان می‌دهد برای کسب درآمد پایدار باید نخست پایداری کسب و کارها به‌وجود بیاید و نه برعکس بنابراین روی‌آوردن دولت و مجلسیان به اخذ درآمدهای مالیاتی (شامل هر گونه مالیات و عوارض) بدون استقرار و ماندگاری بخش اقتصاد پایدار، مانند سراب خواهد بود. در این راستا، به‌عنوان یک فعال اقتصادی توصیه دارم نمایندگان محترم مجلس به ماده (۴) لایحه «درآمدهای پایدار و هزینه شهرداری‌ها و دهیاری» به‌ویژه آنجا که اشعار می‌دارد «شوراهای شهر و بخش می‌توانند در اجرای قانون تشکیلات وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب دهم خردادماه ۱۳۷۵، برای تأمین هزینه‌های شهر و روستا نسبت به برقراری و وضع عوارض محلی اعم از عوارض بر ساختمان‌ها، مستحدثات، تأسیسات، تبلیغات معابر و فضاهای شهری و روستایی و ارزش افزوده ناشی از اجرای طرح‌های توسعه روستایی و دارایی‌های غیرمنقول در محدوده حریم شهر و محدوده روستا اقدام کنند» رأی حذف ماده را دهند تا نابسامانی فعلی اقتصادی - اجتماعی را تشدید نکنند.

*** عضو هیئت‌رئیسه اتاق بازرگانی کرمان**

خبر ویژه

مدیرعامل شرکت نفت ایرانول:

۶۰ برنامه اجرائی ایرانول ۱۴۰۰ تدوین شد

● مدیرعامل شرکت نفت ایرانول از تدوین ۶۰ برنامه اجرائی ایرانول ۱۴۰۰ در راستای استراتژی هشت ساله ایرانول (۱۴۰۴) خبر داد. به گزارش روابط عمومی و تبلیغات شرکت نفت ایرانول، مهندس عیسی اسحاقی در جلسه شورای مدیران ایرانول در آستانه ۱۱ آذرماه، سالروز تأسیس ایرانول، گفت: با تدوین استراتژی هشت ساله ایرانول (۱۳۹۶- ۱۴۰۴) کارها در ایرانول براساس برنامه پیش می‌رود و ۶۰ برنامه اجرائی ایرانول ۱۴۰۰ با همکاری مدیران واحدهای مختلف و ساعت‌ها بحث و بررسی و برنامه زمان‌بندی‌شده تدوین شده است که با اجرای این برنامه‌ها ایرانول جهش خوبی در اکثر شاخص‌ها خواهد داشت. مدیرعامل شرکت نفت ایرانول اظهار کرد: برای اجرای این برنامه‌ها طرح افزایش سرمایه ایرانول به شرکت تاپیکو ارسال شده است. او تأکید کرد: با اجرای استراتژی ایرانول خام‌فروشی بیس‌اویل از ۱۴۰ هزار تن سال ۹۴ به ۳۰ هزار تن در سال ۹۷ و فروش محصولات نهایی از ۱۱۰ هزار تن به ۱۷۰ هزار تن افزایش یافت که موجب رشد حدود ۱۱ درصدی سهم بازار و سود شرکت شد.